



جلوه گلشن به باغ همچو نگاران رسید



دی شد و بهمن گذشت فصل بهاران رسید
جلوه گلشن به باغ همچو نگاران رسید
زحمت سرما و دود رفت به کور و کبود
شاخ گل سرخ را وقت نثاران رسید
باغ ز سرما بکاست شد ز خدا دادخواست
لطف خدا پار شد دولت یاران رسید
آمد خورشید ما باز به برج حمل
معطی صاحب عمل سیم شماران رسید

خبر مراجعت امام خمینی (ره) به ایران، موجی از شور و شغف را در میان ملت ایجاد کرده است. روزنامه اطلاعات سوم بهمن ۱۳۵۷ در خبری این گونه اعلام می کند: حضرت امام - دو روز پیش - رمزی کلارک، وزیر دادگستری پیشین آمریکا را که خواستار ملاقات با آن حضرت شده بود، در نوفل لوشاتو به حضور می پذیرند و کلارک در بازگشت به نیویورک، در مصاحبه ای مطبوعاتی می گوید: «حضرت آیه... خمینی از آمریکا خواسته اند از پشتیبانی دولت بختیار دست بردارند و از هرگونه مداخله در امور ایران خودداری کنند.» و ادامه می دهد: «حضرت آیه... خمینی از پشتیبانی اکثریت ملت ایران برخوردارند و به این ترتیب بدون شرکت رهبر شیعیان، پیدا کردن راه حلی برای مسایل ایران امکان پذیر نیست...»

دشمنان انقلاب اسلامی، وحشت زده از امکان بازگشت امام به ایران به دنبال راه چاره می گردند. ارتشید قره باغی، رئیس ستاد ارتش در خاطرات خود در این باره می نویسد: «... تنها راه جلوگیری از آمدن آقای خمینی که به نظر من رسید، استعفا از مقام ریاست ستاد بزرگ ارتش بود. نتیجه این کار از دو حالت خارج نبود، یا در شورای سلطنت با نظر من مبنی بر جلوگیری از ورود آقای خمینی موافقت می شد و یا من از قبول مسوولیت کناره گیری کرده و شاهد حوادث ناگوار و از هم پاشیدگی مملکت نمی شدم...» (۱)

ارتشید فردوست پیرامون مراجعت امام، اظهار می دارد: «... گفته می شد بختیار از روزی که نخست وزیر شد، هر روزه ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر کمیسیون در نخست وزیری تشکیل می داد که در آن نماینده ساواک، نماینده شهربانی نماینده دوم ارتش، رئیس ستاد ارتش و فرماندهان سه نیرو، شرکت داشتند. در این کمیسیون، از مسایل انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی صحبت می شد و بخش قابل اعتنائی از جلسات، مصروف طرح نقشه برای جلوگیری از ورود امام می گردید... در همین کمیسیون بود که طرح انفجار هواپیمای امام نیز مطرح شد...» (۲)
بازگشت قریب الوقوع امام بیش از همه ژنرال چهار ستاره آمریکایی، «هایزر» را نگران کرده است. او که مامور حفظ سیستم آمریکایی حکومت است، در گزارشی به «هارولد براون» وزیر دفاع وقت آمریکا به وی می گوید: «اعضای گروه [کودتا] خبر بازگشت [امام] خمینی را به من داده و خواستار آن شده اند که آمریکا کاری انجام دهد... بازگشت روز جمعه [امام] خمینی خیلی خیلی زود است...» هایزر در خاطرات خود اظهار می دارد: «به اعتقاد من آمریکا باید تهدید واقعی را می شناخت. خطر بالقوه اصلی که به فاجعه ای برای آمریکا منجر می شد، بازگشت سریع [امام] خمینی به ایران بود. اگر امروز تعداد زیادی از افراد ارتش به شاه وفادار مانده بودند، تعداد قابل توجهی هم بودند که طرفدار [امام] خمینی بودند و تعداد کمی هم کمونیست، نیروهای مسلح متقاعد شده بودند که بازگشت [امام] خمینی به معنای پایان مطلق حیات شاه است...» (۳)

فعالتهای دشمنان انقلاب به اینجای انجام می دادند که در جلسه شورای امنیت ملی تصمیم به بستن فرودگاه توسط فرمانداری نظامی و نیروی هوایی گرفته شود و رادیو اعلام می کند: «فرودگاه مهرآباد به علت عدم آمادگی برای پذیرفتن هواپیمایا، بسته است.» (۴)
حضرت امام خمینی فارغ از دسیسه هایی که برای جلوگیری از مراجعت ایشان در جریان است در سخنرانی خود تصمیم خویش را برای بازگشت به میهن

اسلامی اظهار کرده و می فرماید: «... من از اینکه این مدت شماها زحمت کشیدید، عذر می خواهم. خداوند همه شما را حفظ کند و سلامت بدارد... ما بنا داریم برویم... من بیعتم را از شماها برداشتم. عرض می کنم که ممکن است آن طوری که اینها تهیه دیدند، در این سفر خطر در کار باشد و من میل ندارم به خاطر من شماها خدای نخواستار در خطر بیفتید.»

رادیو «مونت کارلو» در بخش عربی خود گفته بود شاپور بختیار اطلاع یافته است که گروه هایی برای ترور امام توطئه و چند تروریست خارجی را نیز اجیر کرده اند و هم اکنون در ایران هستند. بختیار به امام خمینی پیغام داده است که در ایران خطر ایشان را تهدید می کند. (۵)

با اعلام خبر تعطیلی فرودگاه مهرآباد، موجی از تظاهرات تهران و شهرهای ایران را در بر می گیرد. رادیو پاریس اعلام می کند که سفر امام خمینی به تهران به تعویق افتاده است و امام نیز در پیامی اعلام می دارند: «از اینکه ایادی اجانب فرودگاه های سراسر کشور را به روی من بسته اند، به ناچار تصمیم گرفتم تا روز یکشنبه ۲۹ صفر (۸ بهمن) به کشور برگشته و چون سربازی در کنار شما به مبارزه علیه استعمار و استبداد تا پیروزی نهایی ادامه دهم.» (۶)

از سوی دیگر، یکی از خبرگزاریها درباره وضعیت شاه اظهار می دارد: «شاه از خیانت دوستان خود، سخت اندوهگین است و به این جهت طی چند روز گذشته حدود ۱۲ کیلو لاغر شده است.» هشتم بهمن روزنامه ها خبر از به تعویق افتادن سفر امام خمینی به مدت دو روز دیگر می دهند. نگرانی و خشم مردم با انتشار این خبر افزایش می یابد. ژنرال هایزر که هر روز با فرماندهان نیروها و رئیس ستاد مشترک جلسه می گذارد، در خاطرات خود می نویسد: «متأسفانه اگر [امام] خمینی (ره) ظرف چند روز آینده بازمی گشت، همه چیز خراب می شد. ما به ۳۰ تا ۶۰ روز وقت دیگر نیاز داشتیم.» (۷)

بعضی از مطبوعات و خبرگزاریها فرصت را غنیمت شمرده و اقدام به شایعه پراکنی می کنند. «تهران ژورنال» در مقاله ای با عنوان «امام خمینی (ره) با پذیرفتن بختیار موافقت کرد» می نویسد: «آیه...» در نظر داشته است شب پاریس را ترک کند، اما افرانس به وی اطلاع داده است که فرودگاه تهران هنوز بسته است... امام خمینی با بختیار ملاقات خواهد کرد» اما پیام امام در همین روزها، توطئه دشمن را نقش بر آب می سازد. ایشان در پیامی اظهار می دارند: «آنچه ذکر شده است که شاپور بختیار را در سمت نخست وزیری می پذیرم، دروغ است. من با بختیار تفاهمی نکرده ام... ملت باید موضع خود را حفظ کند و مراقب توطئه ها باشد.» (۸)

گزارشهای مختلف حاکی از برگزاری راهپیمایی و تظاهرات ضد دولتی در اغلب شهرستانهاست. دهها هزار نفر از مردم همدان در سرمای ۲۰ درجه زیر صفر تظاهرات گرم و پرشوری راه انداخته اند. مردم «شاهی» نام شهرستان خود را عوض کرده اند و... در حالی که مردم ایران خود را برای برگزاری بزرگترین استقبال تاریخ آماده می کنند، روز سه شنبه دهم بهمن دولت بختیار بازگشایی فرودگاه های کشور را اعلام می کند و سرانجام دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ امام پس از پانزده سال پای بر خاک مقدس میهن اسلامی خویش می گذارد. با ورود امام، شمارش معکوس برای واژگونی بازمندگان حکومت دیکتاتوری آغاز می شود و تاریخ می رود تا شاهد ضبط زیباترین حماسه حضور مردم از بزرگترین رهبر مذهبی خود باشد.

منابع:

- ۱- اعترافات ژنرال، ص ۲۰۸
- ۲- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۶۰۷
- ۳- ماموریت در تهران، صص ۱۷۶ و ۱۷۸
- ۴- اعترافات ژنرال ص ۲۲۶
- ۵- مطبوعات ۴ بهمن ۵۷
- ۶- روزنامه اطلاعات ۵/۱۰/۵۷
- ۷- ماموریت در تهران، ص ۲۲۶
- ۸- صحیفه نور، ج ۴ ص ۲۶۹